تلنگر



دستگیری سارق حواس پرت

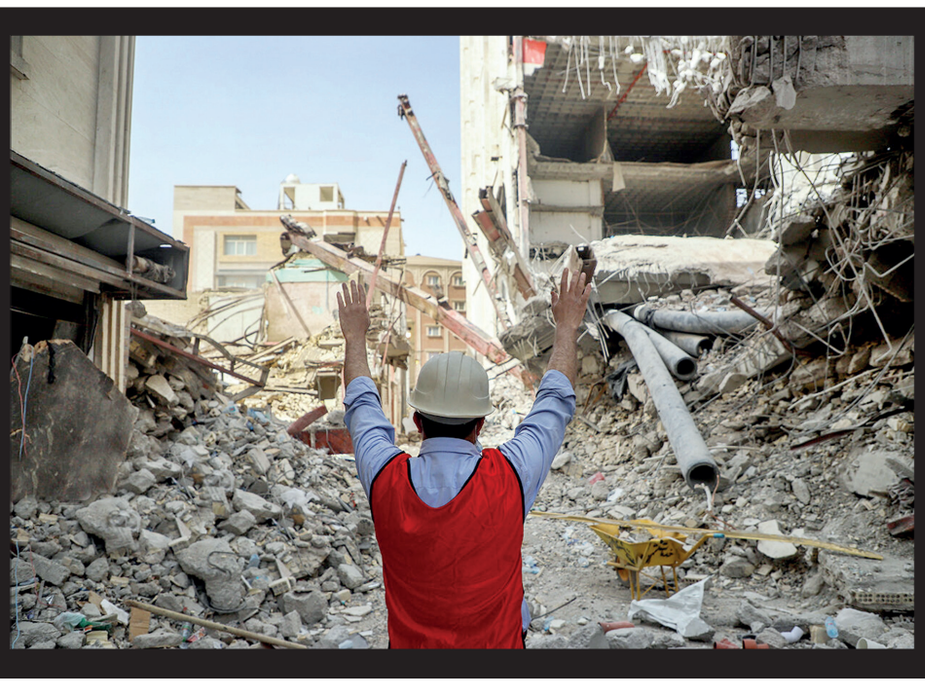
رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری سارق حواس پرت خانه‌ای در محله قلهک و کشف اموال سرقت شده خبرداد.

به گزارش جام جم، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای اظهار کرد: روز گذشته پس از اعلام یک مورد سرقت منزل در محله قلهک، رسیدگی به موضوع و دستگیری سارق یا سارقان به عهده تیمی از ماموران کلانتری ۱۲۴ قلهک قرار گرفت.

ماموران در بررسی محل سرقت، کارت عابربانکی که متعلق به مالک خانه نبود را کشف کردند. در بررسی‌های تخصصی مشخص شد کارت عابر بانک متعلق به سارق است که در پیگیری‌های انتظامی، هویت و مخفیگاه متهم شناسایی و با مجوز قضایی به مخفیگاه متهم مراجعه و در یک عملیات ضربتی وی را دستگیر می‌کنند.

رئیس پلیس پیشگیری تهران تصریح کرد: در بررسی اولیه از داخل مخفیگاه متهم اموال سرقت شده خانه مال باخته که ۴۰ قلم انواع لوازم منزل و فرش و تابلوهای قیمتی بود، کشف شد که متهم ۳۵ ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود و سرقت منزل در محله قلهک با همدستی دو نفر دیگر از دوستان خود اعتراف کرد.

تحقیقات برای دستگیری همدستان فراری سارق ادامه دارد.



۵ روز از حادثه ریزش ساختمان متروپل گذشت

امیدها رنگ باخت

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

اوضاع برج دوقلوی متروپل پس از گذشت شش روز از حادثه، همچنان بحرانی است. از یک سو، خانواده‌ها در تب مفقودان گرفتار در زیرآوار می‌سوزند و سعی می‌کنند با بیل و سطل آواربرداری کنند تا به اجساد و زنده‌های احتمالی برسند. از سوی دیگر، خطر ریزش برج هرلحظه بیشتر می‌شود و جان امدادگران و مردم را تهدید می‌کند. تا این لحظه ۲۴ فوتی از زیرآوارهای سرد و سنگین متروپل خارج شده اما به گفته شاهدان حادثه، انتشار بوی ناشی از تعفن اجساد، نشان می‌دهد هنوز اجساد زیادی زیرآوارها قرار دارد و عملیات جست‌وجو باید ادامه پیدا کند. متروپل به‌سختی سرپا ایستاده است. مردم می‌دانند برج نفس‌های آخرش را می‌کشد و برای همین با هر وسیله‌ای که داشته باشند، آوارها را کنار می‌زنند تا زودتر اجساد را خارج کنند. بسیاری از خانواده‌ها هنوز اطراف برج نشسته‌اند. برخی از آنها به قدری ضجه و فریاد زده‌اند که صدای‌شان به‌سختی از گلو خارج می‌شود. مادرانی هم گوشه و کنار برج روی زمین خاکی نشسته و برای خودشان عزاداری می‌کنند. گاهی هم دسته‌هایی با سنج و دمام به متروپل می‌آیند تا به قول آبادانی‌ها با نواختن این ابزار به مردم روحیه دهند. جسد مریم و رامین، زن و شوهر معروف برج متروپل که کافه‌ای در آنجا داشتند هم بالاخره پیدا و تحویل خانواده‌های‌شان شد اما اجساد خیلی‌ها هنوز هم پیدا نشده است. مثل جسد مردی با سه فرزندش‌که هنوز زیر آوار است یا مادری که جسد پسرش، برادرشوهر و پسربرادرشوهرش هنوز زیر خروارها آهن و بتن دفن شده است.

نه‌تنها خانواده‌های مفقودان بلکه بسیاری از مردم عادی هم توان رفتن به خانه را ندارند. اگر هم بروند، شاید چند ساعت برای صرف ناهار یا شام باشد و دوباره برمی‌گردند به متروپل تا به همشهریان‌شان در یافتن اجساد کمک کنند. نیروهای مردمی، امدادگران و پلیس همگی خسته‌اند اما توان دست کشیدن از کار را ندارند. عده‌ای با توزیع آب، آبمیوه و ساندویچ در بین نیروهای مردمی و امدادگران، سعی می‌کنند انرژی تحلیل‌رفته آنان را برگردانند.

با این‌که مردم به‌شدت نگران اعضای خانواده خود در زیر آوارها هستند اما پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر به مردم اطمینان خاطر داده که تیم‌های تخصصی از نقاط مختلف کشور در محل حضور دارند: «آواربرداری ضلع شرقی ساختمان توسط قرارگاه خاتم، ضلع شمالی توسط آتش‌نشانی و جست‌وجو و نجات توسط جمعیت هلال احمر با جدیت در حال انجام است. در تلاش برای رسیدن به طبقات زیرین و همکف ساختمان متروپل هستیم اما خطر ریزش ساختمان کناری وجود دارد. عملیات جست‌وجو و نجات در متروپل آبادان تا لحظه‌ای که مطمئن شویم کسی زیر آوار نیست، ادامه دارد. یک لحظه عملیات جست‌وجو، نجات و آواربرداری را تعطیل نمی‌کنیم، مگر این‌که شرایط بحرانی شود و مخاطره برای امدادگران وجود باشد. اگر مخاطره باشد، ممکن است توقف کوتاهی داده شود.»

یکی از نگرانی‌های عمده مردم آبادان، نبود تجهیزات است که کولیوند در این باره‌گفت: «آتش‌نشانان تهران که تجربه امداد و نجات پلاسکو را داشتند، حضور دارند و تمام مسوولان استان خوزستان هم پای‌کار هستند. کار پیچیده و تخصصی است و ادوات و تجهیزاتی که باید استفاده شود، موجود است. پنجشنبه هفته گذشته درخواست جرثقیل با تناژ و ظرفیت بالا شد که بعد از ۴۵ دقیقه در محل آماده شد. همه امکانات مورد نیاز وجود دارد و این نقطه قوت است. هرتعداد کمپرس که مورد نیاز باشد نیز وجود دارد و تضمین می‌کنم که کمبودی نداریم.»

تایید مرگ عبدالباقی با آزمایش «دی‌ان‌ای»

در بحبوحه شایعات مختلف مربوط به حسین عبدالباقی مالک متروپل، فیلمی منتشرشد که نشان می‌داد عبدالباقی در زمان ریزش ساختمان در متروپل حضور داشته است. صادق جعفری چگنی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خوزستان نیز دیروز با رد شایعات گفت: «پیش از این جسد توسط خانواده متوفی شناسایی و اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی استان از طریق انگشت‌نگاری، هویت وی را تایید کرده بود. در ادامه، آزمایش DNA که یکی از معتبرترین روش‌های تشخیص هویت افراد است، انجام و پزشکی قانونی هویت جسد عبدالباقی و DNA او را تایید کرد.»

فساد گسترده در متروپل

محمد مخبر، معاون اول رئیس جمهور دیروز جمعه به آبادان رفت تا از نزدیک آخرین اقدامات برای آواربرداری و امدادرسانی حادثه ریزش ساختمان متروپل را بررسی کند.

وی با بیان این‌که فاجعه‌ای بسیار بد و غیرقابل تحمل رخ داده است، گفت: فسادی گسترده بین پیمانکار، سازنده، ناظر، دستگاه‌های صادرکننده مجوز و برخی جاهای دیگر که به آنها اعلام شده و عمل نکردند، وجود دارد.

مخبر تصریح کرد: البته کار در متروپل بسیار پیچیده است و قابل مقایسه با حادثه پلاسکو نیست. این ساختمان در بافت کوچه‌های تنگ و باریک قرار دارد و از طرف دیگر، وضعیت بسیار بدی دارد؛ به نظر می‌رسد فساد گسترده‌ای بین پیمانکار، سازنده، ناظر، دستگاه‌های صادرکننده مجوز و برخی جاهای دیگر که به آنها اعلام شده و عمل نکردند، وجود دارد.

وی با بیان این‌که فاجعه بسیار بد و غیرقابل تحملی رخ داده است، افزود: این مسائل باید به گونه‌ای مورد رسیدگی قرار بگیرد که درسی باشد تا دیگر چنین کاری تکرار نشود.

وزیر کشور هم که در آبادان حضور دارد، حادثه متروپل را نه‌تنها تعلل بلکه یک جرم بزرگ دانست. با گذشت پنج روز از ریزش ساختمان متروپل هنوز خانواده تعدادی از مفقودین مقابل آوار تجمع کرده و خواستار پیدا کردن پیکر عزیزان خود هستند. مادر یکی از مفقودین به خبرنگار جام جم گفت: دیگر امیدی به زنده پیدا شدن فرزندم ندارم. فقط از امدادگران می‌خواهم جسد پسرم را پیدا کرده و تحویل من دهند تا او را به خاک بسپارم. می‌ترسم قسمت دیگر ساختمان نیز تخریب شود و زمان پیدا کردن اجساد طولانی‌تر شود.

زوم

جست‌وجو با سگ‌های خانگی

فرزانه بهمنی، یکی از آبادانی‌هایی است که همراه با همسرش، دو سگ خانگی‌شان را به متروپل برد تا با آنها بتواند در یافتن گرفتاران زیرآوار و کشف اجساد به امدادگران کمک کند. او به جام‌جم‌گفت: «ما دو سگ گریدین و ژرمن شپرد داریم که با همان آموزش‌های همسرم، توانستند هشت نفر شامل هفت جسد و یک خانم زنده را از زیر آوار پیدا کنند. اینجا امنیت برقرار است اما از لحاظ تجهیزات و اکسیژن برای کسانی‌که می‌خواهند وارد طبقات یا زیرزمین شوند، دچار مضیقه هستیم. چون اجساد زیرآوار بو گرفته‌اند و شرایط برای تنفس عادی مشکل شده است. ۳۰ درصد ساختمان ریزش‌کرده اما ۷۰ درصد آن هنوز نریخته که یک خطر جدی است. مردم به شدت نگران عزیزان‌شان هستند که زیر آوار گرفتار شده‌اند. آتش‌نشانان تهرانی که در پلاسکو بودند هم به کمک آبادان آمده‌اند و از آنها بسیار سپاسگزاریم اما حجم کار بسیار بالا و شرایط متروپل به شدت خطرناک است».

تکذیب

دروغ متروپل

از حاشیه ماجرای متروپل، ادعای عجیب مردی درباره گرفتارشدن زیرآوار و نجات بعد از ۳۰ ساعت است. او غروب سه‌شنبه از زیرآوار خارج شد و رئیس هلال‌احمر نیز پیدا شدن یکی از مفقودان را تایید کرد. این مرد در اولین مصاحبه مدعی شد ۳۰ ساعت زیرآوار گرفتار بوده و میلگردها مسیر خروجش را مسدود کرده بودند، آتش‌نشانان او را پیدا کرده و از زیرآوار خارج کرده‌اند.

در ادامه عکس‌های او در حال امدادرسانی در متروپل در فضای مجازی پخش شد که نشان می‌داد او جزو امدادگران بوده است. این مرد وقتی راز خود را فاش‌شده دید، در ویدئویی از مردم عذرخواهی کرد و گفت: «وقتی آتش‌نشانان مرا از زیرآوار بیرون آوردند، گفتند یکی از زیرآوار نجات‌یافته که من نخواستم حرف آنها را دوتا کنم و گفتم زیرآوار بوده‌ام.»

فیلم عذرخواهی گرفتار قلابی در زیرآوار را با اسکن کیوآرکد مشاهده کنید

سرقت

گوشی‌قاپی در تهران، فروش در هرات

اعضای باند شبکه سرقت گوشی‌های سامسونگ و آیفون در تهران، دستگیر شدند. متهمان، گوشی‌های سرقتی را به هرات افغانستان انتقال داده و آنجا می‌فروختند.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل فروردین امسال، دختر جوانی با حضور در پلیس آگاهی تهران از دو مرد موتورسوار به اتهام سرقت گوشی آیفون خود شکایت کرد. در جریان این تحقیقات، ماموران با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند. ماموران با بررسی محل‌های سرقت توانستند چهره سارقان را با کمک دوربین‌های مداربسته شناسایی کنند. یکی از دزدان سابقه‌دار بود و تحت تعقیب قرار گرفت. با گذشت بیش از دو ماه، چند روز پیش این متهم بازداشت و تعدادی گوشی سرقتی از او کشف شد. او در جریان تحقیقات به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد و گفت: کارم گوشی‌قاپی است. اوایل زمستان سال گذشته از زندان آزاد شدم و با دوستم که سارق است نزد یک مالخر حرفه‌ای و سابقه‌دار رفتیم. او به ما سفارش سرقت گوشی‌های آیفون و سامسونگ را می‌داد. ما هم از ساعت ۲ بعدازظهر به بعد در محله‌های مختلف تهران با موتور پرسه زده و گوشی‌قاپی می‌کردیم.

با اعتراف او، همدستش نیز بازداشت و به همدستی در این سرقت‌ها اعتراف کرد. در ادامه مالخر نیز شناسایی و بازداشت شد. در بازرسی از آنجا ۲۰۰ دستگاه گوشی سرقتی آیفون و سامسونگ کشف شد. او در جریان تحقیقات گفت: بیشتر سارقان با من همکاری دارند. با مردی تبعه



افغانستان آشنا شده و او به من گفت که بازار خرید و فروش گوشی‌های آیفون و سامسونگ در کشورشان به‌خصوص شهر هرات خوب است. آن دو سارق برایم گوشی‌های سرقتی را می‌آوردند. گوشی‌ها را به مرد تبعه افغانستان می‌فروختم و او گوشی‌ها را به افغانستان انتقال می‌داد.

همچنین مرد تبعه افغانستان هم بازداشت شد و اعتراف کرد که به مالخر ایرانی سفارش گوشی‌ها را می‌داده و بعد از خرید آن، گوشی‌ها را غیرقانونی به کشورش برده و به مبالغی بالاتر به هموطنانش می‌فروخته است.

با اعتراف اعضای باند، تحقیقات از آنها برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان ادامه دارد.

عدلیه

حمله خونین دزد میلگرد به نگهبانان

مرد شیشه‌ای که به قصد سرقت وارد ساختمان نیمه کاره‌ای در شهرک غرب تهران شده بود، پس از روبه‌رو شدن با نگهبانان یکی از آنها را با ضربه کاردک به کما فرستاد.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه یکشنبه اول خرداد امسال مردی هنگام بازگشت به خانه‌اش در محله شهرک غرب تهران صدای ناله و کمک خواهی را از ساختمانی نیمه کاره شنید. با ورود به آنجا با مردی زخمی روبه‌رو شد و با پلیس تماس گرفت. دقایقی بعد ماموران پلیس همراه امدادگران اورژانس در ساختمان نیمه کاره حاضر شدند و مرد زخمی را به بیمارستان انتقال دادند.

در بازرسی ساختمان با دو مرد زخمی دیگر در اتاقک نگهبانی روبه‌رو شدند که زخم‌هایشان عمیق نبود اما مردی دست و پا بسته در آنجا حبس شده بود.

یکی از کارگران مجروح در جریان تحقیقات گفت: ما سه‌نفر در این ساختمان کارگری می‌کنیم و نگهبانی هم می‌دهیم. شب با سرو صدایی از محوطه از خواب بیدار شدیم. تا از نگهبانی بیرون آمدیم مردی را دیدیم که میلگردهای ساختمان را برداشته و با خود می‌برد. با او درگیر شدیم تا مانع فرارش شویم که با میلگرد ما را زد. بعد دوستمان با کاردک سمت سارق حمله‌ور شد که سارق آن را از دستش گرفت و با آن ضربه‌ای به گردنش زد. با سارق درگیر شدیم و با میلگرد ضربه‌هایی به سرش زدیم که افتاد و بعد با بستن دست و پایش او را در اتاقک نگهبانی زندانی کردیم.

متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و در تحقیقات گفت: کارم جمع‌آوری ضایعات است و در یکی از شهرستان‌های استان گلستان زندگی می‌کنم. سه سال است شیشه مصرف می‌کنم. از یک سال قبل برای ادامه کارهایم به تهران آمدم. صبح‌ها ضایعات جمع می‌کنم و شبها در خانه‌های اجاره‌ای و مهمانپذیر و پارک‌ها می‌مانم. تصمیم گرفتم از ساختمان‌های نیمه کاره سرقت کنم. شیشه مصرف کرده بودم. وارد ساختمان نیمه کاره که شدم سه کارگر متوجه و با من درگیر شدند.

پرونده‌ای در دادسرای جنایی تهران در این باره تشکیل شد و با دستور قضایی متهم برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد. مرد زخمی نیز به دلیل شدت جراحات به کما رفته و در جدال با مرگ است.

نظمیه

سناریوی مرگبار مادر و پسر برای پدر

زن میانسال با همدستی پسرش، نقشه قتل همسرش با قرص برنج را طراحی و اجرا کرد.

به‌گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده ازشنبه ۳۱ اردیبهشت امسال و با مراجعه مرد جوانی به پلیس آگاهی البرز آغاز شد. این مرد به کارآگاهان گفت:« پدر ۶۳ساله و بازنشسته‌ام دو روز قبل از خانه بیرون رفته و بازنگشته است. در این مدت به بیمارستان‌ها و کلانتری‌ها سر زدیم اما هیچ اثری از او نیست. به همین دلیل احتمال می‌دهم بلایی سر او آمده باشد.»

مأموران در تحقیقات مقدماتی خود متوجه شدند مرد میانسال با همسر و پسر کوچک خود اختلاف و درگیری داشته‌است. برای همین تحقیقات روی این دو نفر متمرکز شد. در شاخه دیگری از تحقیقات با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل زندگی این مرد مشخص شد او آخرین‌بار ۲۹ اردیبهشت وارد خانه شده و دیگر بیرون نیامده است. با کشف این سرنخ‌ها روز سوم خردادماه همسر و پسر این مرد دستگیر و برای تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شدند. متهمان در تحقیقات مقدماتی منکر هرگونه اطلاعی از سرنوشت مرد میانسال شدند اما در ادامه پسر جوان لب به اعتراف گشود و به قتل پدرش با همدستی مادرش اعتراف کرد. پسرجوان به مأموران گفت: پدرم بازنشسته بود و با حقوق بازنشستگی هزینه‌های زندگی را تامین می‌کرد. من و نامزدم نیز در خانه آنها پیش پدر و مادرم زندگی می‌کردیم که این موضوع باعث اعتراض پدرم بود و می‌گفت حقوقش کفاف خرج ما را نمی‌دهد و باید جدا شویم. او حتی اتاقی را برای خودش برداشته بود و در آن جا زندگی می‌کرد و کاری به من و مادرم نداشت. روز حادثه تصمیم گرفتیم پدرم را بکشیم و به این اختلافات پایان دهیم. به همین خاطر من قرص برنج تهیه کردم و به مادرم دادم که آن را در غذا حل کرد و به پدرم داد. پدرم بعد از خوردن ناهار حالش بد شد و حوالی ساعت شش بعدازظهر جان سپرد. بعد از اطمینان از مرگش با همدستی مادرم و نامزدم جسد او را در ماشین گذاشته و به بیابان‌های اطراف زرندیه بردیم و آنجا رها کردیم.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با تایید این خبر به جام جم گفت: پس از اعتراف متهمان، تیمی از کارآگاهان به محل رها کردن جسد رفتند و با توجه به این‌که آنها شب جسد را رها کرده بودند و محل دقیق آن را نمی‌دانستند جست‌وجوها در آن منطقه چند ساعت طول کشید تا این‌که پیکر پیرمرد زیریک پل پیدا و به پزشکی قانونی منتقل شد. وی افزود: متهمان با دستور قضایی بازداشت‌شده و تحقیقات درباره ادعاها و اعترافات آنها ادامه دارد.

زنگ هشدار

یک آمار هولناک



محمد غمخوار
دبیر حوادث

۲، ۱ و ۳. اعدادی که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند و از فاجعه‌ای خاموش در پایتخت خبر می‌دهند. براساس آمار سازمان آتش‌نشانی تهران، در حال حاضر ۳۳ هزار ساختمان ناایمن در تهران وجود دارد که ۳۶۰ ساختمان نیاز به مداخله جدی دارد و ۱۲۳ ساختمان دیگر در وضعیت پلاسکو و متروپل قبل از ریزش قرار دارند. ساختمان‌هایی که مانند متروپل به مالکان آن اخطارهای ایمنی داده شده اما بی‌توجه از کنار آن گذشته‌اند و هر روز احتمال ریزش یا آتش‌سوزی‌های مرگبار در آنها وجود دارد.

با این وضع، این ساختمان‌ها همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و به نظر می‌رسد عزمی جدی هم برای رفع خطرات وجود ندارد و به ارسال چند اخطار بسنده شده است.

چرا عادت کرده‌ایم حادثه‌ای رخ دهد و بعد از آن دنبال علت وقوع بگردیم و تیم‌های تحقیق و ارزیاب تشکیل دهیم و در نهایت مالک، هیات‌مدیره و چند مسوول شهری را مقصر اعلام کنیم.

اعلام مقصر نه از داغ خانواده‌های داغدار این حوادث می‌کاهد و نه از وقوع حوادث دیگر جلوگیری می‌کند. علت این حوادث را باید قبل از وقوع، شناسایی و رفع کرد. چرا دستگاه‌های نظارتی سراغ این ۱۲۳ ساختمان نمی‌روند و برخوردهایی را که قرار است بعد از حادثه انجام شود، حالا اعمال نمی‌کنند؟ چون هنوز ساختمانی نریخته و شهروندی کشته نشده است؟

با ماجرای متروپل، زنگ خطر به صدا درآمد و آمار آتش‌نشانی هم مسیر را در تهران روشن و مشخص کرده است. حال نوبت دستگاه‌های نظارتی است که جدی وارد گود شوند و بدون تعارف با ساخت و سازهای ناایمن برخورد کنند و تحت تاثیر هیاهوی مافیای ساخت و ساز قرار نگیرند و با جان شهروندان بازی نکنند.

کوتاه از حوادث

بازداشت ۴ مظنون در ماجرای قتل نگهبان

چهار مرد در جریان قتل نگهبان ساختمان در حال احداث در حوالی اقدسیه تهران به‌عنوان مظنون بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد شنبه سی و یکم اردیبهشت امسال، مردی در مقابل خانه‌اش در شهر گلوگاه استان مازندران با شلیک گلوله به قتل رسید. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد او یکی از کارکنان پلیس استان سیستان و بلوچستان بوده که در مرخصی به سرمی‌برده و برای دیدن خانواده‌اش به آنجا آمده بود. در جریان تحقیقات از خانواده مقتول، معلوم شد آنها به مردی که پیش از این خواستگار خواهر زن مقتول بوده مشکوک هستند چرا که او با مقتول اختلاف داشته است.

این مرد تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز پیش بازداشت شد. با اعتراف به قتل، مامور جوان درباره انگیزه‌اش گفت: به خواهرزن مقتول علاقه‌مند بودم و می‌خواستم با وی ازدواج کنم. اما این مرد مخالف این ازدواج بود و مرا در حد خواهر زنش و خانواده او نمی‌دانست. مخالفت‌هایش باعث شد این ازدواج سر نگیرد. از وی کینه به دل گرفته بودم. منتظر فرصتی برای کشتن او بودم. وقتی فهمیدم به مرخصی آمده، تصمیم گرفتم نقشه‌ام را اجرا کنم. شب حادثه به او شلیک کردم که باعث مرگ وی شد. اگر او با آن ازدواج موافقت می‌کرد، من خانه و زندگی داشتم و خودش هم الان زنده بود. با اعتراف متهم به قتل، او روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شد.

انتقام مرگبار خواستگار شکست‌خورده

مرد جوان وقتی نتوانست با دختر مورد علاقه‌اش ازدواج کند، شوهرخواهر او را برای انتقام کشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد شنبه سی و یکم اردیبهشت امسال، مردی در مقابل خانه‌اش در شهر گلوگاه استان مازندران با شلیک گلوله به قتل رسید. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد او یکی از کارکنان پلیس استان سیستان و بلوچستان بوده که در مرخصی به سرمی‌برده و برای دیدن خانواده‌اش به آنجا آمده بود. در جریان تحقیقات از خانواده مقتول، معلوم شد آنها به مردی که پیش از این خواستگار خواهر زن مقتول بوده مشکوک هستند چرا که او با مقتول اختلاف داشته است.

این مرد تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز پیش بازداشت شد. با اعتراف به قتل، مامور جوان درباره انگیزه‌اش گفت: به خواهرزن مقتول علاقه‌مند بودم و می‌خواستم با وی ازدواج کنم. اما این مرد مخالف این ازدواج بود و مرا در حد خواهر زنش و خانواده او نمی‌دانست. مخالفت‌هایش باعث شد این ازدواج سر نگیرد. از وی کینه به دل گرفته بودم. منتظر فرصتی برای کشتن او بودم. وقتی فهمیدم به مرخصی آمده، تصمیم گرفتم نقشه‌ام را اجرا کنم. شب حادثه به او شلیک کردم که باعث مرگ وی شد. اگر او با آن ازدواج موافقت می‌کرد، من خانه و زندگی داشتم و خودش هم الان زنده بود. با اعتراف متهم به قتل، او روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شد.